

40. محقق داماد، سیدمصطفی و شیما تقی‌زاده قوژدی، «ترور و رابطه آن با محاربه با نگاهی به آراء و نظرات امام خمینی (ره)»، مجله‌نامه الهیات، سال سوم، شماره هشتم، 1388.
41. مرعشی، سیدمحمدحسن، «تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه‌شده در همایش پنجم و ششم تهران، 1380.
42. موسوی بجنوردی، سیدمحمد، فقه تطبیقی بخش جزایی، تهران: میعاد، 1376.
43. _____، مجموعه مقالات فقهی حقوقی، فلسفی و اجتماعی، تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، انتشارات عروج، 1385.
44. _____، «تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه‌شده در همایش پنجم و ششم دی ماه، تهران، 1380.
45. موسوی گلپایگانی، سیدمحمدرضا، الدر المنضود الحدود، ج 3، قم: دار القرآن الکریم، الطبعة الاولى، 1417ق.
46. مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی فارسی عربی، قم: اسلامی، بی‌تا.
47. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، 1981م.
48. واعظی، حسن، تروریسم، تهران: سروش، چاپ دوم، 1383.
49. هاشمی شاهرودی، سیدمحمد، «تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه‌شده در همایش پنجم و ششم دی ماه، تهران، 1380.
50. هاشمی، سیدحسین، تروریسم از منظر حقوق اسلام و اسناد بین‌المللی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، 1390.

مبانی فقهی ممنوعیت تولید و انباشت سلاح هسته‌ای

تاریخ دریافت: 1394/10/06 تاریخ پذیرش: 1395/03/12 احمد

احسانی فر *

چکیده

سلاح هسته‌ای پیشرفته‌ترین ابزار نظامی در قرن اخیر و البته قدرتمندترین سلاح در انهدام بنیان حیات انسانی، حیوانی و گیاهی و تخریب عمیق و گسترده در محل انفجار می‌باشد. تولید و انباشت این سلاح، اعم از آنکه به قصد استفاده باشد یا به نیت بازدارندگی و ارباب دشمن، از اموری است که در سال‌های اخیر محل بحث و نظر در میان صاحبان اندیشه قرار گرفته است.

موضع شریعت اسلام درباره تولید این سلاح را می‌توان بر اساس ادله لفظی و عقلی به دست آورد. این تلقی که سلاح هسته‌ای از لحاظ امنیتی و استراتژیکی دارای کارایی بسزایی است، دلیل عمده مدعیان جواز تولید این سلاح است و گاه با استناد به عموم و اطلاق ادله قرآنی، لزوم و وجوب تولید این سلاح ادعا شده است.

مقاله پیش روی با طرح و بسط دلایل جواز و همچنین دلایل منع ساخت و انباشت سلاح هسته‌ای و جرح و تعدیل و تحقیق آنها، به تبیین نظریه نظام حقوقی اسلام درباره این مسئله پرچالش عصر کنونی خواهد پرداخت.

واژگان کلیدی: سلاح هسته‌ای، بازدارندگی، نفی سبیل، رقابت تسلیحاتی،

ارهاب، قوه.

مقدمه

جنگ‌افزارهای هسته‌ای استراتژیکی با قدرت تخریب و صدمه فوق‌العاده، اتلاف گسترده نفوس، اموال، اماکن و محیط زیست و همچنین قابلیت کشتار جمعی، انبوه، همگانی و توده‌ای، بدون تمایز نهادن بین نظامیان و غیرنظامیان و بدون تفکیک اصناف مختلف انسانی از یکدیگر، شناخته شده‌اند. به همین دلیل در بین فقیهان کنونی شیعی، هیچ کس قائل به استفاده از آن در شرایط عادی جنگی نیست. استفاده از این سلاح در دو حالت محل اختلاف و نزاع قرار گرفته و همه تردیدها منحصر به این دو حالت می‌باشد. حالت نخست استفاده از آن در شرایط مقابله به مثل است و حالت دوم استفاده از آن در شرایط اضطراری جنگی. اگر استفاده از این سلاح در یکی از این دو حالت مجاز باشد، لاجرم باید پیش از استفاده، تولید و تجمع شود. اما استفاده از این سلاح در این حالات نیز به جد مورد مناقشه، تردید و انکار واقع شده است.

مقاله پیش روی قصد ورود به حوزه استفاده از سلاح هسته‌ای را ندارد و بر مبنای نظریه دوم که استفاده از سلاح هسته‌ای را به دلیل عوارض و پیامدهای نامشروع آن، مطلقاً ممنوع می‌داند، مسئله حکم شرعی تولید و انباشت سلاح هسته‌ای را پیگیری خواهد نمود.

از منظر بسیاری از فقه‌پژوهان، تولید و انباشت این سلاح، نه به قصد استفاده از آن در صحنه پیکار، بلکه به دلیل ارباب دشمن می‌تواند خاصیت بازدارندگی داشته باشد و در نتیجه دشمن با ملاحظه سلاح موجود، هرگز فکر تجاوز را نیز نخواهد کرد. همچنین تولید و انباشت این سلاح می‌تواند باعث اقتدارافزایی شده و سلطه دشمن را از بین ببرد؛ از این رو قدرت فشار و چانه‌زنی حکومت اسلامی را افزایش می‌دهد.

در مقابل، رهبر جمهوری اسلامی ایران، آیت‌الله خامنه‌ای، به همراه تنی چند از مراجع

عظام به حرمت تولید و انباشت این سلاح فتوا داده‌اند.

این فتاوا بسیاری از اندیشمندان را به تأمل واداشته که چگونه با وجود تصریحات قرآنی راجع به لزوم آمادگی دائمی مسلمانان و دستور به تمهید پیشرفته‌ترین سلاح‌های هر عصر، می‌توان موضع نظام حقوقی اسلام را حرمت تولید و انباشت سلاح هسته‌ای دانست؟ از این رو در سال‌های اخیر، شبهه فوق در مجامع علمی و فقهی رو به تزايد می‌رود و همچنان تعداد معتابیهی از فقیهان جزم به بطلان این فتوا داشته و معتقد به جواز و بلکه وجوب تولید و انباشت سلاح هسته‌ای هستند (صادقی تهرانی، 1365: ج 12، ص 277؛ سیفی مازندرانی، 1425: ج 1، ص 237-238؛ یزدی، 1415: ج 2، ص 254 و 258).

عدم تنقیح و ارائه مبانی فقهی حکم ممنوعیت تولید و انباشت سلاح هسته‌ای، شبهه مذکور را قابل اعتنا و لااقل قابل ملاحظه و تأمل کرده است. لذا ضرورت طرح و تحقیق بر محور ادله حرمت تولید و انباشت سلاح هسته‌ای احساس می‌شود تا مبانی این حکم در نظام حقوقی اسلام روشن شود. مقاله پیش روی با درک همین ضرورت و نقد دلایل مدعیان جواز ساخت و انباشت این سلاح، به تبیین تحلیلی حکم حرمت تولید و انباشت همت می‌گمارد.

مفروض مقاله حاضر، ممنوعیت مطلق استفاده از سلاح هسته‌ای است. طبق این مبنا، هنگامی که به کارگیری این سلاح به صورت مطلق ممنوع باشد، تولید و انباشت آن که مقدمه استفاده است نیز به ضرورت عقلی ممنوع خواهد بود؛ لکن بازدارندگی دفاعی و همچنین قاعده نفی سبیل و سلطه دشمن، دو دلیل قائلان به جواز تولید سلاح هسته‌ای است و از این رهگذر ادعا شده است که تولید سلاح هسته‌ای ارتباطی به استفاده از آن ندارد و فواید و منافع دیگری، غیر از استفاده، بر تولید آن مترتب است که لزوم تحصیل این منافع، تولید این سلاح را لازم و واجب می‌گرداند. بر اساس این رأی ساخت سلاح هسته‌ای به

قصد استفاده، ممنوع و حرام است، و به قصد بازدارندگی و نفی سلطه دشمن، لازم و واجب. نقد این مدعا اصلی‌ترین هدف تحقیق حاضر می‌باشد که در ادامه به تفصیل به آن خواهیم پرداخت.

۱. لزوم آمادگی دفاعی در برابر دشمن

مهم‌ترین و اصلی‌ترین دلیل لزوم تولید سلاح هسته‌ای، آیه اعداد می‌باشد: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ (أنفال: 60)؛ شما مؤمنان باید برای مقابله با کافرانی که پیرامون شمایند، آنچه در توان دارید از نیروی رزمی و اسبان بسته (آماده نبرد) فراهم آورید تا بدین وسیله کسانی را که دشمن خدا و دشمن شمایند، بترسانید» (صفوی، 1388: ص 184).

با استناد به عمومیت لفظ «ما استطعتم» و نکره بودن واژه «قوه» در این آیه، چنین ادعا شده است که آیه فوق دستور به جواز و بلکه وجوب دائمی ساخت پیشرفته‌ترین سلاح‌های هر عصر را می‌دهد و با توجه به عدم تخصیص و تقیید هیچ سلاحی در این آیه یا در ادله دیگر، می‌توان نتیجه گرفت که سلاح هسته‌ای نیز مشمول حکم وجوب تجهیز به قوه قرار می‌گیرد. تا جایی که حتی پیوستن به معاهدات بین‌المللی که مفاد آن، تعهد به تحدید و تقلیل سلاح هسته‌ای یا عدم تولید آن است، غیرمشروع و در تنافی با امر به تجهیز قوا و باعث سیطره کفار و زبونی مسلمانان و مخالف با مصالح عالیه اسلام تلقی شده است (حیدر حب الله، دراسات فی الفقه الاسلامی المعاصر، البیئة و اسلحة الدمار الشامل:

<http://www.hobbollah.com/books> و محمد عبدالوهاب احمد، حکم الشریعة فی

إستخدام أسلحة الدمار الشامل: <http://feghweb/vb/t4891.html>).

آیه ذیل نیز یکی دیگر از دلایل مدعیان جواز تولید سلاح هسته‌ای می‌باشد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعاً (نساء: 71)؛ ای کسانی که ایمان

آورده‌اید، سلاح خود را بگیرید و همواره آماده کارزار باشید و آنگاه که شمار دشمنان اندک است، گروه گروه، و چون فراوان است، دسته جمعی به سویشان حرکت کنید» (صفوی، 1388: 89).

«حذر» به معنای هوشمندی است و معنایی اعم از تسلیح به سلاح دارد. روایتی هم که در تفسیر مجمع البیان از امام باقر (ع) نقل شده و حذر را به سلاح تفسیر کرده (طبرسی، 1415ق: ج 3، ص 112)، در مقام بیان معنای کنایی حذر است. در واقع سلاح معنای کنایی حذر است (جوادی آملی، 1389: ج 19، ص 467).

این آیه نیز می‌تواند دلیل بر لزوم آمادگی دفاعی مسلمانان باشد و اطلاق آن دال بر لزوم تولید سلاح هسته‌ای.

در ادامه مقاله با طرح یازده دلیل، نظریه جواز یا لزوم تولید سلاح هسته‌ای بر مبنای دو آیه فوق را مورد نقد قرار داده و نهایتاً از مدار مباحث علمی خارج می‌کنیم. البته برخی از مستندات پیش روی، ارزش دلیل و برخی دیگر ارزش مؤید را دارند.

1.1. آیه اعداد در مقام ردّ پندار انحرافی

امعان نظر به فضای نزول هر آیه نقش برجسته‌ای در فهم معارف آیه دارد و جهت تفسیری آن را مبین می‌گرداند. آیه اعداد در فضایی منبعث از پیروزی مسلمانان پس از جنگ بدر نازل شد؛ جنگی که مسلمانان از نظر تعداد جنگاور و امکانات زرهی به مراتب ضعیف‌تر از مشرکان بودند و با امداد غیبی به پیروزی رسیدند. صاحب کتاب «محاسن التأویل» از قول شهاب می‌گوید: «آیه اعداد هشدار است به مسلمانان مبنی بر اینکه همواره این گونه نیست که آنان بدون داشتن آمادگی قبلی به پیروزی برسند» (قاسمی، بی تا: ج 5، ص 315).

خاطره پیروزی در جنگ بدر بدون فراهم کردن سلاح متناسب و تأکید خداوند به اینکه

امداد غیبی سبب پیروزی مسلمانان گردید، این پندار را در ذهن مسلمانان ایجاد کرد که آنان بدون تجهیز به سلاح مناسب، توانایی پیروزی در همه جنگ‌ها را دارند. این آیه در چنین فضایی نازل می‌شود تا هشدار دهد که توکل به خدا نباید سبب عدم تقویت و آمادگی قبلی گردد و در مقام ردّ این پندار باطل است.

در بعضی تفاسیر، نزول آیه اعداد پیش از جنگ بدر دانسته شده است؛ آنگاه که اصحاب پیامبر متفق شدند تا بدون سلاح جنگی به رویارویی با دشمن روند و خداوند آنان را از این تصمیم جمعی بر حذر می‌دارد و امر به تهیه سلاح می‌دهد (حائری تهرانی، 1377: ج 5، ص 11). طبق این تفسیر نیز آیه اعداد فقط پندار باطل مسلمانان را طرد می‌کند. در واقع این آیه عدم تنافی بین توکل و آمادگی مادی را می‌رساند و بر غیر متناهی بودن ساخت همه نوع سلاح دلالت ندارد.

به جز فضای نزول آیه اعداد، قرینه دیگری نیز وجود دارد که اثبات‌کننده این است که آیه بر دفع گمان باطل مذکور پای می‌فشارد، نه آنکه دستور تولید همه‌گونه سلاحی را صادر نماید. این قرینه، آیه قبل از آن است که می‌فرماید: «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ (أنفال: 59)؛ کسانی که کافر شده‌اند، مپندارند که با کفر و ستیزه‌جویی خویش بر خدا سبقت گرفته و بر او چیره گشته‌اند. آنان نمی‌توانند خدا را ناتوان کنند» (صفوی، 1388: 184).

بلافاصله پس از این آیه، خداوند امر به آمادگی می‌دهد. آنچه بین عدم توان مشرکان به ناتوان ساختن خداوند و الزام مسلمانان به تجهیز سلاح پیوند برقرار می‌سازد، این است که ابتدا یک سنت جاری در نزاع بین حق‌باوران و باطل‌باوران بیان می‌شود؛ مبنی بر اینکه هیچ‌گاه خداوند عاجز نمی‌گردد و هیچ توانی نمی‌تواند او را ناتوان سازد. بیان این سنت الهی و توزیع آن بین مسلمانان، این وهم را در آنان شکل داد که خداوند بدون نیاز به تولید

و ذخیره سازی سلاح نیز قادر به شکست مشرکان است و خود به این سنت همیشگی تصریح کرده است. پیدایش این پندار باطل سبب می شود بلافاصله آیه اعداد نازل شود و مانع انعقاد این تفکر انحرافی گردد. بنابراین مدلول این آیه طرد این توهم نابجاست. اما اینکه سطح این آمادگی به حدی باشد که همه جنگ افزارهای متعارف و غیرمتعارف را شامل شده و باعث ارباب عمومی تمام ساکنان نظامی و غیرنظامی زمین گردد، از مدلول آیه مستنتج نمی گردد.

۱.۲. تقید «قوه» به «ارهاب»

بعضی از محققان معتقدند که در آیه اعداد، هدف از تمهید سلاح، تقویت بنیه دفاعی است؛ حتی اگر ترسی هم در دل دشمن ایجاد نکند. بنابراین بدون ایجاد ترس و با هدف تقویت قوای دفاعی نیز باید به سلاح مجهز شد (فاضل لنکرانی، 1392: 26). عده دیگری از محققان عامه نیز با استناد به اینکه سلاح هسته ای باعث توازن قدرت بین مسلمانان و کافران می گردد و در نتیجه مانع تجاوز دشمن است، معتقدند که بنا به قدرت بازدارندگی آن، باید تولید شود (صلاحین، 1426ق: 168 و 170-171).

رابطه بین دو واژه «قوه» و «ترهبون» در این آیه باید بررسی شود. عنوان ارهاب به نحو حقیقی در موضوعیت قوه مدخلیت دارد؛ تا آنجا که بدون اعتبار این قید، موضوع قوه فاقد شخصیت می گردد. در واقع ترکیب قوه و ارهاب و پیوست ارهاب به قوه نشان دهنده آن است که قضیه موجود در این آیه بسیط نیست و قوه به تنهایی شایسته پذیرش محمول نیست؛ بلکه قوه باید متممی داشته باشد تا بتواند از وصف عنوانی محمول برخوردار شود و آن متمم، قید ارهاب است. بنابراین قید ارهاب به منزله حیثیت تقییدیه برای قوه است که حکم وجوب اعداد بر ترکیبی از این دو مترتب می گردد.¹ قید ارهاب برای قوه، حیثیت تعلیلیه

1. مانند جایی که گفته می شود: «الخمیر المسکر حرام» که در این گزاره، حیثیت مسکریته جزء موضوع است و بدون آن، حکم بر خمر مترتب نمی شود.

نمی‌باشد که حکم وجوب اعداد، بدون تقید قوه به ارهاب نیز بتواند بر قوه عارض گردد.¹

طبق این تحلیل، آیه دستور به تولید سلاحی می‌دهد که این ترس را در دشمن بیافریند که در صورت تجاوز، مسلمانان از سلاحی استفاده می‌کنند که او تاب مقاومت در برابر آن را ندارد. بنابراین ترس استفاده از یک سلاح خاص، قید ضروری برای تولید آن سلاح است که بدون وجود این ترس، موضوعیت سلاح تکمیل نمی‌شود و بدین ترتیب حکم لزوم اعداد موضوعش را از دست می‌دهد.

استفاده از سلاح هسته‌ای طبق مبنای مفروض در این مقاله فاقد مشروعیت در تمام شرایط حاکم بر جنگ می‌باشد. وقتی توان شرعی یا عقلی یا قراردادی برای استفاده از سلاح هسته‌ای موجود نباشد و بر مبنای باورهای شرعی یا اصول اخلاقی یا تعهدات پذیرفته شده در معاهدات بین‌المللی، التزام به عدم استفاده مطلق از سلاح هسته‌ای وجود داشته باشد و این التزام و باور درونی به اطلاع دشمن نیز رسیده باشد و دشمن نیز آن را یقین داشته باشد، تولید و انباشت این سلاح ییمی در دل دشمن ایجاد نخواهد کرد. در این شرایط، با عدم ایجاد ترس، قید ضروری سلاح هسته‌ای برای آنکه بتواند موضوع آیه اعداد قرار گیرد، از بین می‌رود. بنابراین حکم وجوب تولید در مورد این سلاح، فاقد موضوعیت معتبر گشته و در این صورت این حکم جریان نمی‌یابد. به تعبیر پاره‌ای از مفسران قوه و قدرتی که در مقام عمل نتوان از آن بهره برد، هیچ فایده‌ای ندارد و هیچ رعب و وحشتی را در دل دشمن نمی‌افکند (مدرسی، 1419ق: ج 9، ص 182).

بنابراین استدلال به بازدارندگی این سلاح و نقش آن در توازن قدرت و وحشت، بر مبنای جواز استفاده از این سلاح در همه یا بعضی شرایط خاص مانند حالت اضطرار یا

1. مانند جایی که گفته می‌شود: «الخمر حرام لکونه مسکراً» که در این گزاره، حکم حرمت بر ذات خمر بدون تقید به وصف مسکریّت مترتب شده و حیثیت مسکربودن تنها علت ثبوت حکم بر موضوع است.

مقابله به مثل می‌باشد؛ مبنایی که در بین فقیهان عامه پیروان فراوان دارد و البته بعضی از فقهای شیعه نیز بدان ملتزمند. اما اگر بر مبنای دوم از محققان شیعه قدم برداریم که استفاده از این سلاح را تحت هیچ شرایطی مجاز نمی‌دانند، باید تولید و انباشت آن را نیز فاقد کارایی لازم برای بازدارندگی و توازن قدرت به حساب آورد.

آیت‌الله خامنه‌ای درباره فقدان کارایی سلاح هسته‌ای می‌فرماید:

«این سلاح‌ها [سلاح‌های هسته‌ای] هیچ کاربردی جز ارعاب و ترور دسته‌جمعی و ایجاد امنیت کاذب، مبتنی بر بازدارندگی ناشی از نابودی تضمین‌شده همگانی نداشته و ندارد... بی‌دلیل نیست که این راهبرد، «بازدارندگی مبتنی بر نابودی تضمین‌شده متقابل» یا دیوانگی نام گرفته است» (پیام به نخستین کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح و عدم اشاعه، 89/1/28؛ <http://khamenei.ir>).

بازدارندگی سلاح هسته‌ای مبتنی بر شکست کشور تولیدکننده و سایر طرف‌های درگیر در جنگ می‌باشد که در این صورت، فاقد وجه ایجابی بازدارندگی یعنی ممانعت از شکست می‌باشد. بهترین توصیف برای این نوع بازدارندگی، همان وصف «دیوانگی» است که در عبارت فوق استفاده شده است. بازدارندگی دیوانه‌وار بی‌هیچ تردیدی بازدارندگی مطلوب در آیه اعداد نیست و نمی‌توان جواز این گونه بازدارندگی را از آیه استنتاج نمود.

ایشان راجع به فقدان عامل ارهاب در سلاح هسته‌ای می‌گویند:

«ما اعتقاد به بمب اتمی و سلاح اتمی نداریم. دنبالش هم نخواهیم رفت... ما دنبال چیزی می‌رویم که قدرت‌های سلطه‌گر حقیقتاً از آن باید بترسند» (بیانات در دیدار دست‌اندرکاران ساخت ناوشکن جماران، 88/11/30؛ <http://khamenei.ir>).

۱.۳. عدم دلالت آیه اعداد بر جواز تولید همه سلاح‌ها

اگر در موضوع دلیلی عام، وجود بعضی شرایط یا فقدان بعضی موانع اخذ شده باشد و

آنگاه در مورد یک مصداق خارجی تردید شود که آیا دارای آن شرایط می‌باشد یا فاقد آن، برای اثبات دخول آن مصداق تحت موضوعات دلیل، نمی‌توان به آن دلیل تمسک کرد. این قاعده اصولی در دانش اصول فقه به قاعده «عدم جواز تمسک به دلیل قبل از احراز موضوع» مشهور است (مروّج جزائری، 1415ق: ج 3، ص 553).

در آیه اعداد، دلیل وجوبی به تولید سلاح الزام می‌نماید. با توجه به اینکه در سلاح موضوع آیه، وجود برخی شرایط و فقدان برخی موانع اخذ شده، اگر در مورد جواز یا عدم جواز ساخت یک سلاح خاص تردید شود، نمی‌توان با استناد به این دلیل عام، ساخت آن سلاح را جایز دانست. بلکه ابتدا باید وجود شرایط و فقدان موانع مزبور با استناد به دلایل دیگر اثبات گردد، سپس با استناد به دلیل عام اعداد، وجوب ساخت نتیجه گرفته شود؛ همان‌طور که شیخ طوسی منظور از استطاعت در اعداد را نهایت توانایی انسان برای جلب آمادگی دانسته و سپس قید «عدم وجود مانع بر سر راه اعداد» را نیز داخل در مفهوم استطاعت می‌کند (شیخ طوسی، بی‌تا: ج 5، ص 148). مانعی که می‌تواند سد راه تولید و تجمع سلاح گردد، می‌تواند دارای دو جنبه تکوینی و تشریعی باشد. مانع تکوینی به معنای نقص و کمبود مادی، دانش و تکنولوژی است و مانع تشریعی به معنای مبعوضیت شارع نسبت به ساخت سلاح خاصی است.

بنابراین سخن کسانی که با استناد به این آیه سعی در توجیه جواز ساخت همه گونه سلاحی دارند، بر اساس قاعده اصولی مذکور باطل می‌باشد.

۱.۴. تبذیر بودن هزینه در سلاح غیربازدارنده

در مباحث پیشین به این نتیجه رسیدیم که سلاح هسته‌ای به علت غیرقابل استفاده بودن، موجب رعب و وحشت در دل کفار نمی‌شود و از این لحاظ فاقد خصلت بازدارندگی است. بنابراین تولید این سلاح کاری عبث، بیهوده و غیرعقلایی است و سرمایه‌گذاری در چنین

کاری مصداق بارز تبذیر می‌باشد (علی دوست، 1392، (ب): 14؛ حسینی خراسانی، 1392: 141).

آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرمایند: «تسلیمات هسته‌ای جز هزینه ایجاد و هزینه نگهداری هیچ فایده‌ای ندارد» (بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، <http://khamenei.ir>; 87/3/14).

۱.۵. عدم تقیید «قوه» به «اخافه»

در آیه اعداد با استفاده از فعل «ترهبون»، امر به ساخت سلاحی شده که باعث ارهاب دشمن گردد. اما از فعل «تخافون» استفاده نکرده و این سؤال را می‌آفریند که چه تفاوتی است بین «ارهاب» و «اخافه»؟

ارهاب از ریشه «رهب» و اخافه از ریشه «خوف» است. ترس مستمر از چیزی را رهب گویند و تفاوت ظریف آن با خوف در این است که خوف در مقابل امنیت قرار دارد و ضد آن است و رهب در مقابل رغبت قرار دارد و ضد آن است (مصطفوی، 1360: ج 4، ص 241). خوف، ترس مستمری است که از فقدان امنیت ناشی می‌شود و رهب، ترس مستمری است که مانع رغبت به انجام کاری می‌شود. در واقع خوف وقتی رخ می‌دهد که امنیت به صورت بالفعل متلاشی شده و این ترس ناشی از فقدان امنیت است؛ ولی رهب وقتی به وجود می‌آید که امنیت به صورت بالفعل از بین نرفته، ولی اگر کاری انجام گیرد، امنیت از بین می‌رود و به همین دلیل رغبتی برای انجام آن کار به وجود نمی‌آید.

بنابراین آیه اعداد امر به تولید سلاحی می‌کند که دارای یک وصف ایجابی و یک وصف سلبی باشد. به عبارت دیگر وجود شرطی خاص و عدم وجود مانعی خاص در سلاح موضوع اعداد اخذ شده است. وصف ایجابی، ایجاد رهب در دشمن است و وصف سلبی، ایجاد خوف در دشمن. به عبارت دیگر، مسلمانان مأمور به تولید سلاحی شده‌اند که به

صورت بالفعل امنیت دشمن را به مخاطره نیندازد، اما دشمن بداند که در صورت تجاوز به مسلمانان، امنیتش به مخاطره خواهد افتاد و به همین دلیل، رغبت به تجاوز را از دست دهد. صاحب تفسیر «مجمع البیان» هدف از آمادگی را سلب رغبت دشمن به تجاوز می‌داند (طبرسی، 1415ق: ج 4، ص 853).

هر دو عنصر ایجابی و سلبی در مورد سلاح هسته‌ای نقض می‌گردد؛ چراکه تولید سلاح هسته‌ای از طرفی رغبت دشمن را به تجاوز افزایش می‌دهد و از سوی دیگر امنیت غیرنظامیان و مردم عادی ساکن در کشور اسلامی و کشورهای همسایه را نیز در مخاطره جدی قرار می‌دهد که در ادامه بررسی خواهد شد.

1.5.1. تأثیر تولید سلاح هسته‌ای در افزایش رغبت دشمن به تجاوز

تولید و انباشت سلاح هسته‌ای از دو جهت سبب افزایش رغبت دشمن به تجاوز به کشور تولیدکننده می‌گردد. جهت نخست آنکه با توجه به پیشرفت تکنولوژی ماهواره‌ای و اطلاع دشمن از محل تولید و انباشت سلاح هسته‌ای، امکان حمله آنی، وسیع، همه‌جانبه و غیرقابل دفاع دشمن به این محل‌ها محتمل است و این امر باعث ارهاب و احساس ناامنی در مردم ساکن کشور تولیدکننده و کشورهای مجاور می‌گردد.

جهت دوم اینکه با توجه به پیامدهای خسارت‌بار عمیق تولید و استفاده از سلاح هسته‌ای در ابعاد گسترده انسانی، حیوانی و زیست محیطی، چه از لحاظ گستره وسیع مکانی و چه از لحاظ بقای طولانی مدت و گاه دائمی این آثار و همچنین تداوم آن تا نسل‌های متمادی، اذهان عمومی مردمان جهان نسبت به تولید و انباشت این سلاح به شدت منفی است؛ به گونه‌ای که عموم ساکنان زمین، تولیدکننده این سلاح را سالب امنیت داخلی، منطقه‌ای و جهانی، مخل نظم و آرامش بین‌المللی، منازع با حق حیات و حق کرامت انسان‌ها و آغازکننده مسابقه تسلیحاتی و اختلافات گسترده بین‌المللی می‌دانند. سازنده سلاح هسته‌ای

به دلیل هنجارشکنی و اقدامی مخالف با اخلاق و عرف بین‌المللی با بی‌اعتمادی عمومی نسبت به اهداف و نیاتش مواجه می‌گردد و همین مسئله باعث می‌شود سازنده نزد عقول انبای بشر به چالشی برای صلح و امنیت بین‌المللی متهم شود.

اگر چند کشور قدرتمند بخواهند مشارکت سایر کشورها برای شروع به تهاجم علیه یک کشور دیگر را جلب کنند، مهم‌ترین ابزارشان اقناع عمومی بین‌المللی با استناد به مبانی اخلاقی است. واضح است که ذهنیت کاملاً منفی مردمان جهان نسبت به تولیدکننده سلاح هسته‌ای، خودبه‌خود اقناع عمومی را به وجود آورده و رغبت دشمن را که به دنبال بهانه‌ای برای تجاوز فراگیر به دولت اسلامی است، تشدید کرده و باعث مشارکت همه کشورها در این جنگ می‌گردد.

۱.۵.۲. تأثیر تولید سلاح هسته‌ای در سلب امنیت

تولید و انباشت سلاح هسته‌ای از چهار جهت می‌تواند سالب امنیت داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی باشد.

جهت نخست اینکه در مسیر تولید سلاح هسته‌ای بروز اشکالات فنی و غیرمنتظره، اشتباهات انسانی و حوادث طبیعی با انتشار اشعه رادیو اکتیو همراه بوده که آسیب‌های جسمی و روانی و زیست محیطی آن فاجعه‌بار است. از این رهگذر همواره این تشویش در مردم کشور تولیدکننده و کشورهای مجاور وجود دارد و در اکثر اوقات امنیت روانی و گاه جسمانی آنان را با چالش جدی مواجه می‌سازد. حادثه چرنوبیل و فاجعه نیروگاه اتمی فوکوشیما تنها نمونه‌هایی از ده‌ها واقعه‌ای است که رخداد آنها سبب تغییر رویه بعضی از کشورهای دارنده فناوری هسته‌ای شد؛ به گونه‌ای که سران کشورهایی چون آلمان و ژاپن وقتی با مطالبه عمومی مردم خویش مبنی بر کنار نهادن فناوری هسته‌ای مواجه شدند، بسیاری از صنایع هسته‌ای خود را مضمحل نمودند. این مطالبه عمومی، نشان‌دهنده وجود

دغدغه‌های عمیق در بین مردم این کشورها و نهایتاً گویای سلب امنیت روانی آنهاست. آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید: «ما استفاده از این تسلیحات [هسته‌ای] را گناه بزرگ می‌دانیم و نگهداشتنش را یک کار پرضرر پرخطر می‌دانیم و هرگز دنبالش هم نمی‌رویم» (بیانات در دیدار دانشمندان هسته‌ای، 90/12/3؛ <http://khamenei.ir>).

جهت دوم اینکه تولید سلاح هسته‌ای سبب تحریک دشمنان به ساخت سلاح‌های هسته‌ای خطرناک‌تر و قوی‌تر می‌گردد. آنگاه حکومت اسلامی مجبور به ساخت سلاح‌های پیشرفته‌تر شده و همین عامل باعث تحریک بیشتر دشمنان و تولید سلاح‌های قدرتمندتر توسط آنان می‌گردد. بیشترین قربانیان این چرخه رقابتی بی‌پایان، غیرنظامیان و مردمان عادی این کشورها هستند که با افزایش کمی و کیفی سلاح‌های هسته‌ای در مسیر رقابت تسلیحاتی، در هراس ناشی از یک اشتباه از سوی یکی از اطراف نزاع زندگی می‌کنند.

سومین جهت اینکه در صورتی که دول متخاصم اقدام به ساخت سلاح هسته‌ای کرده باشند، این احتمال وجود دارد که رهبران یکی از دولت‌های دارنده با برداشت نادرست از عملکرد رقبای، دست به اشتباهی زند و همگان را با بلایی خانمان‌سوز مواجه گردانند. به‌ویژه در فضای پراشتباه ناشی از مسابقه تسلیحات هسته‌ای که اضطراب و تشویش بر ذهن رهبران کشورهای دارنده حاکم است و این مسئله احتمال بروز خطاهای محاسباتی را مضاعف می‌گرداند. ترس ناشی از این برداشت‌های نادرست و خطاهای محاسباتی، همواره گریبانگیر مردم غیرنظامی است که این ترس از عوامل دیگر سالب امنیت بودن سلاح هسته‌ای می‌باشد.

جهت چهارم اینکه دسترسی دولت‌ها یا گروه‌های تروریستی به سلاح هسته‌ای تولیدشده محتمل می‌باشد.

آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید: «کسانی که امروز بمب هسته‌ای دارند، خودشان خوب

می‌دانند که... دیری نخواهد گذشت که تروریست‌های دنیا به سلاح هسته‌ای دست پیدا کنند و امنیت را از مستکبران عالم و از همه ملت‌ها بگیرند» (بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، 87/3/14؛ <http://khamenei.ir>).

پس از تولید و انباشت سلاح هسته‌ای، تحقق هیچ‌یک از آثار فوق که منجر به افزایش رغبت دشمن به تجاوز و سلب امنیت عمومی می‌گردد، در اختیار دولت سازنده نیست و خودبه‌خود و بدون اراده این دولت به وجود می‌آید. بنابراین در مبحث مقدمه حرام با پذیرش نظریه حرمت مقدمات سببی یا تولیدی و همچنین حرمت مقدمات اعدادی که اختیار را از فاعل مقدمه سلب کرده و ذی‌المقدمه را قهراً محقق می‌گرداند (نائینی، 1352: ج 1، ص 249)، باید تولید سلاح هسته‌ای را که مقدمه سببی برای ایجاد آثار فوق است، حرام دانست.

۱.۶. مقدمیت تولید سلاح هسته‌ای نسبت به استفاده از آن

بررسی آرای مفسران روشن می‌کند که تولید سلاح با هدف آمادگی برای پیکار است. در منابع تفسیری، لزوم تجهیز به سلاحی با کارکرد دوگانه مورد تصریح قرار گرفته است. کارکرد نخست آنکه سلاح تولیدشده با ایجاد ترس در دشمن، مانع تجاوز او گردد و کارکرد دوم اینکه در صورت تجاوز دشمن، سلاح تولیدشده بتواند در عرصه نبرد، دشمن را براند. تولید آلات جنگی از باب مقدمه واجب، واجب دانسته شده است تا بتواند دشمن را در جنگ به هزیمت کشاند (نوری همدانی، 1367: 36-37). آنچه واجب نفسی است دفاع از دین، سرزمین، حکومت اسلامی، جان و مال و عرض مسلمانان است و ساخت سلاح نیز مقدمه آن است که وجوب غیری می‌یابد. از آنجا که بین مقدمه و ذی‌المقدمه ملازمه عقلی یا لفظی برقرار است، باید بین سلاح تولیدشده با سلاح مورد استفاده هماهنگی در حکم برقرار باشد. بدین معنا که سلاحی که استفاده از آن در شرایط دفاع مشروع لازم

است، تولید آن نیز از باب وجوب مقدمه واجب، لازم است و سلاحي که استفاده از آن در شرایط دفاع مشروع ممنوع است، تولید آن نیز از باب حرمت کاری که مستلزم حرام است، ممنوع می‌باشد (شریف کاشانی، 1404ق: 20). ممکن است گفته شود تولیدکننده قصد استفاده از آن را ندارد و مقدمه حرام در صورتی حرام است که فاعل مقدمه قصد انجام ذی‌المقدمه را داشته باشد؛ لکن باید دانست که اولاً استفاده از سلاح هسته‌ای، پس از تولید آن در اختیار مطلق تولیدکننده نیست و تعویض یا تضعیف و فترت دولت تولیدکننده، امکان استفاده از آن را توسط دولت جایگزین یا دولت‌های یاغی دیگر یا حتی گروه‌های تروریستی فراهم می‌آورد. بنابراین معیار سلب اختیار از فاعل مقدمه و امکان اجرای قهری ذی‌المقدمه پس از به وقوع پیوستن مقدمه که در میان مبانی و آرای متعددی که در مبحث مقدمه حرام وجود دارد، معیار صحیحی به نظر می‌رسد (نائینی، 1352: ج 1، ص 249)، منطبق بر این فرض می‌باشد. ثانیاً به وقوع پیوستن آثاری که در بندهای پیشین مورد اشارت قرار گرفت، مبنی بر رغبت دشمن به تجاوز و سلب امنیت از ساکنان انبوه غیرنظامی ابداً در اختیار تولیدکننده نیست و به صورت کاملاً قهری به وجود می‌آید.

تمام مصادیقی که در قرآن و روایات تفسیری در مورد آمادگی بیان شده، همگی تولید سلاح‌های مجازی را که در مقام استفاده فاقد قابلیت کشتار همگانی غیرنظامیان و تخریب وسیع محیط زیست هستند، مورد تأکید قرار داده‌اند. این مطلب با لحاظ وجود بعضی آلات و سلاح‌های کشتار وسیع در عصر شارع بیشتر روشن می‌شود. مثلاً تولید سم که قابلیت کشتار غیرمتمایزانه نظامیان و غیرنظامیان را دارد و از جنگ‌افزارهای مرسوم در جنگ‌های عصر تشریع محسوب می‌شده، هیچ‌گاه مورد فرمان شارع قرار نگرفته است. روشن است که اگر آیه اعداد دارای مدلولی عام و مطلق می‌بود، با توجه به امر لزومی موجود در آن، باید نشانی از تولید این سلاح و تشویق پیامبر به ساخت آن وجود می‌داشت؛ حال آنکه عدم

وجود این نشان، خود دال بر عدم فهم آیه به صورت عام در نزد مخاطبان وحی می‌باشد. حتی تولید، فراهم کردن و تعلیم سلاح منجنیق که مورد دستور شارع قرار گرفته، با هدف استفاده از آن برای تخریب دیوارها و درهای بلند و مستحکم قلعه‌هایی مانند خیبر و شهرهایی مانند طائف بوده؛ به گونه‌ای که نظامیان دشمن در قلعه‌ها و شهرهایی که داخل این دیوار یا در بودند پناه می‌گرفتند و از منجنیق با هدف تخریب دیوار و دری که دربردارنده قلعه و شهر بود، استفاده می‌شد و هرگز قصد تجاوز به مردم غیرنظامی حاضر در قلعه و شهر منظور نبوده است.

در کلام مفسران عصر تشریع و تابعان که در فضای نزول آیات قرار داشتند، آیه اعداد به تولید سلاح با هدف استفاده از آن تفسیر شده است. برای مثال عبدالله ابن عباس در تفسیر «ترهبون به عدو الله»، مراد از «ترهبون» را «تخزون» دانسته و منظور از آیه را تولید سلاحی می‌داند که ذلت را برای دشمن به بار می‌آورد (طبری، 1412ق: ج 10، ص 22). این تفسیر دال بر لزوم تولید سلاحی است که استفاده از آن برای دشمن ننگی می‌آورد. یا مجاهد بن جبر، منظور از «قوه» را وسیله‌ای می‌داند که در جنگ می‌توان بدان مجهز شد (همان). روشن است که وسیله تولیدشده باید بتواند در جنگ مورد استفاده قرار گیرد.

در تفسیر واژه «اعداد»، عنصر نیاز به سلاح تولیدشده در عرصه جنگ مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. به این معنا که هر سلاحی که در صحنه پیکار بدان احتیاج می‌شود، باید قبل از جنگ ساخته شود (شیخ طوسی، بی تا: ج 5، ص 147-148؛ ابوالفتوح رازی، 1408ق: ج 9، ص 142؛ رشید رضا، بی تا: ج 10، ص 63؛ بغدادی، 1415ق: ج 2، ص 322). سلاح مورد نیاز در صحنه پیکار، سلاحی است که استفاده از آن مجاز است و اگر استفاده از سلاحی مجاز نباشد، نیازی نیز بدان وجود ندارد. صاحب تفسیر «المیزان» در شرح واژه «اعداد» می‌نویسد: «اعداد مهیا کردن وسیله‌ای برای پیروزی بر دیگری است، و

تولید وسیله‌ای را گویند که چیزی برای تحقق نیازمند آن است؛ مانند آماده کردن هیزم و چوب برای تحقق آتش، و آماده کردن آتش برای پخت و پز» (طباطبایی، 1417ق: ج 9، ص 114).

جمله دوم در عبارت فوق با توجه به جمله نخست نشان‌دهنده آن است که منظور از اعداد، تولید وسیله‌ای است که پیروزی در جنگ بدان نیازمند است و پیروزی محتاج به سلاح‌هایی است که بتواند در جنگ مورد استفاده قرار گیرد.

در بعضی تفاسیر، هدف از اعداد، دفاع مشروع دانسته شده است (مکارم، 1425ق: 242). منطبق با این تفسیر، آنچه دفاع مشروع بدان محتاج است، باید ساخته شود. صاحب کتاب «تبیین القرآن» در تفسیر آیه اعداد می‌نویسد: «و اعدوا لهم حرب الکفار: برای جنگ با کافران آماده شوید» (حسینی شیرازی، 1423ق: 196). مشخص است که آمادگی برای جنگیدن باید با ساخت سلاح‌هایی صورت گیرد که قابل استفاده در جنگ باشند. در ادامه تفسیر آیه، منظور کلی آیه را تمهید هر آنچه که مربوط به جنگ است، می‌داند (همان). بنابراین بین اعداد و جنگ ملازمه وجود دارد و آنچه در جنگ مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، قابلیت تولید هم ندارد.

آیت‌الله جوادی آملی می‌فرمایند: «ساختن بمب هسته‌ای به نظر تمام مراجع حرام است؛ چون هیچ اثری جز اثر حرام ندارد».¹

در گزاره فوق بین تولید سلاح هسته‌ای و آثار ناشی از استفاده ملازمه برقرار شده و تولید به علت استلزامی که با آثار حرام دارد، حرام تلقی شده و این همان مدعای ماست. در تفسیر واژه «قوه» نیز نظریه ملازمت بین تولید و استفاده مشهود است. واژه قوه در

1. جوادی آملی، درس خارج تفسیر، مسجد اعظم قم، 91/12/6.

منابع تفسیری به سه صورت تفسیر شده است. گاه به صورت مطلق به معنای ابزار و آلاتی تفسیر شده است که در جنگ استفاده می‌شوند (حائری تهرانی، 1377: ج 5، ص 101؛ بغدادی، 1415ق: ج 2، ص 322). گاه با توجه به معنای لغوی قوه که عبارت است از توان و نیرو. منظور از این واژه در آیه اعداد نیز هر چیزی که امکان به کارگیری آن در جنگ وجود داشته باشد، تفسیر شده است (طباطبایی، 1417ق: ج 9، ص 114). گاه واژه قوه به معنای هر سلاحی تفسیر شده است که باعث تقویت سپاه و غلبه بر دشمن می‌گردد (آلوسی، 1415ق: ج 5، ص 220؛ ابن جوزی، 1407ق: ج 2، ص 221؛ مغنیه، بی‌تا: 236). هر سه تفسیر فوق از واژه «قوه» نشان می‌دهد قوه‌ای را که آیه به تولید آن امر می‌کند، باید ابزار مورد استفاده در جنگ دانست. بنابراین آیه به تولید سلاحی امر می‌کند که توان به کارگیری در عرصه جنگ را از لحاظ شرعی، عقلی، اخلاقی و قراردادی داشته باشد. صراحت و دلالت تفسیر دوم از دو تفسیر دیگر بیشتر است. طبق این تفسیر، قوه به معنای سلاحی است که امکان به کارگیری آن در جنگ وجود داشته باشد.

آیت‌الله خامنه‌ای، مسئله مقدمات تولید سلاح هسته‌ای برای استفاده نامشروع از آن را این گونه بیان می‌کند: «کشورهای متعددی اقدام به تولید و انباشت سلاح هسته‌ای کرده‌اند که فی نفسه می‌تواند مقدمه ارتکاب جرم تلقی شده و صلح جهانی را شدیداً در معرض تهدید قرار داده است» (پیام به نخستین کنفرانس خلع سلاح و عدم اشاعه، 89/1/28؛ <http://khamenei.ir>).

۱.۷. تولید سلاح هسته‌ای به مثابه اعانه بر اثم و عدوان

تولید سلاح هسته‌ای سبب ورود به مسابقه تسلیحات هسته‌ای شده و با توجه به بندهای پیشین، چون درگیر شدن در این مسابقه عاملی برای ایجاد فتنه و فساد عظیم می‌باشد، تولید آن عامل مهمی در اعانه بر اثم و عدوان می‌باشد. در واقع مسابقه تسلیحات هسته‌ای

جرمی است که با مشارکت کشورهای تولیدکننده شکل می‌گیرد و همه این کشورها بالمشارکه در تحقق این جرم سهیمند.

در سلاح متعارف، چون استفاده از آن مشمول عنوان «اِثم و عدوان» قرار نمی‌گیرد، تولید آن نیز مشمول عنوان «اعانه بر اِثم و عدوان» قرار نمی‌گیرد. اما در سلاح هسته‌ای هرگونه رفتاری که ضریب احتمال استفاده را بالا ببرد، مشمول عنوان «اعانه بر اِثم و عدوان» است.

۱.۸. فقدان اطلاق در آیه اعداد

ادعای وجود اطلاق در آیه اعداد که این آیه را مجوز ساخت همه‌گونه سلاحی قرار می‌دهد، فاقد وجهت اصولی می‌باشد.

اصالة الإطلاق ابزاری است برای مفاهمه و تفهیم و تفهّم کلام که در عرف و سیره عقلا به نحو ارتکازی مورد استعمال قرار می‌گیرد. کالبد اصالة الإطلاق هدف و مقصود نیست؛ بلکه این اصل بدان علت که در محاورات عرفی مورد توجه اهل عرف است، برای پی بردن به اراده متکلم استعمال می‌شود. بنابراین آنچه مقصود است، کشف اراده شارع از میان دلایل لفظی است و اصالة الإطلاق بدان علت که در تکلمات عرفی مورد استعمال قرار می‌گیرد، به عنوان راهی برای کشف اراده شارع استفاده می‌شود. بدین ترتیب تمسک به اطلاق یک جمله طریقت داشته و موضوعیت ندارد.

بر این اساس گاه قیودی در موضوعات مستحدثه و مستجده وجود دارد که از سنخ و جنس موضوعات موجود در عصر شارع نیست. در این موارد استناد به اصالة الإطلاق با طریقی بودن آن برای فهم مراد شارع منافات دارد. در موضوع اعداد قوه و امر به آمادگی در برابر دشمن، تا زمانی که سلاح‌های اعصار متمادی با سلاح‌های عصر تشریع تفاوت جدی نداشت و از سنخ و جنس دیگری نبود، برقراری اصالة الإطلاق در فرامین لفظی شارع

صحیح است و کاشف از مراد جدی مقنن احکام می‌باشد. برای مثال سلاح منجنیق در عصر شارع موجود بوده و مورد اشاره بسیاری از فقها واقع شده است. همچنین در دوره‌های بعد در جنگ‌ها، حیوانات گزنده‌ای مانند عقرب و مار به عنوان سلاح به سمت دشمن پرتاب می‌شده است. در دوره‌های بعد باروت و تفنگ و بمب نیز به مجموعه سلاح‌های جنگی افزوده شدند. حال صاحب جواهر منجنیق را در عرض مار و عقرب و باروت و تفنگ و بمب قرار داده است (نجفی، 1404ق: ج 21، ص 65)؛ گو اینکه سنخیت و جنسیت این سلاح‌ها یکسانند و تفاوت ماهوی و عمده با یکدیگر ندارند. بنابراین امکان اجرای اصالة الإطلاق در این سلاح‌های جدید مهیاست. اما در قرن بیستم سلاح هسته‌ای با قیودی پا به عرصه امور نظامی و استراتژیک نهاد که از لحاظ سنخیت و جنسیت با سلاح‌های عصر تشریع تفاوت اساسی و ماهوی دارد، نه آنکه صرفاً توسعه‌ای در مصادیق سلاح‌ها اتفاق افتد، ولی از جنس و سنخ همان سلاح سابق باشد. خصایصی از سلاح هسته‌ای، ویژه این سلاح است و نه تنها سلاح‌های زمان شارع فاقد این خصایص است، بلکه سایر سلاح‌های کشتار جمعی مانند سلاح شیمیایی و میکروبی نیز فاقد این ویژگی‌ها هستند.

بنابراین نمی‌توان اصالة الإطلاق را به این سلاح تسری داد؛ چراکه شمول این اصل برای سلاحی که به کلی از ارتکاز عرفی مردم زمان شارع خارج است، نمی‌تواند ظهور کلام شارع را مبین گرداند و بنابراین مراد او را عیان نمی‌کند (مبلّغی، 1392: 250-251؛ نجفی یزدی، 1392: ص 225-226).

۱.۹. تقیید آیه اعداد با ادله ناهیه از فساد

1.9.1. قاعده ممنوعیت سعی بر فساد و افساد در زمین

قاعده «ممنوعیت سعی بر فساد و افساد در زمین» از جمله قواعدی است که ادله نقلی متکثری آن را پشتیبانی می‌کنند (صادقی تهرانی، بی‌تا: 190-192)؛ از قبیل دو آیه ذیل:

۱. «وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ (قصص: 77)؛ [هرگز این ثروت و شوکت را وسیله] فسادجویی در زمین قرار مده».
۲. «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ (بقره: 205)؛ و چون به حکومت رسد، در زمین به تکاپو می‌افتد تا در آن فساد و تباهی کند و کشتزار و نسل بشر را به نابودی کشاند، و خداوند فساد و تباهی را دوست نمی‌دارد».
- واژه «حرث» به معنای زراعت (راغب اصفهانی، 1408ق: 226) و واژه «نسل» به معنای فرزندان می‌باشد (همان: 802-803).

اهلاک حرث و نسل تنها مصادیقی از افساد محسوب می‌شوند و آیه در مقام تمثیل است، نه احصاء. بنابراین رابطه «افساد» و «اهلاک» عموم و خصوص مطلق است؛ بدین معنا که افساد عام مطلق می‌باشد. این مطلب نشان‌دهنده آن است که آیه دوم عام و مطلق بوده و مفهوم جامعی دارد (جوادی آملی، 1389: ج 10، ص 125). بدین ترتیب هر کاری که در ادله نقلی فسادآور تلقی شده را تحت شمول این آیه قرار می‌دهیم و هر کاری که در ادله نقلی غیرفسادآور تلقی شده را تحت شمول این آیه قرار نمی‌دهیم و هر کاری که در ادله نقلی نسبت به فسادآور بودن آن سکوت شده، می‌توانیم با مراجعه به عرف، فسادآور بودن یا نبودن آن را تشخیص دهیم (علیدوست، 1392، (الف: 96).

۱.۹.۲. فسادآور بودن تولید و انباشت سلاح هسته‌ای

تولید و انباشت سلاح هسته‌ای از دو جهت فسادآور است. جهت نخست آن است که تولید این سلاح با تشدید مسابقه تسلیحاتی سبب سلب امنیت روانی، آرامش فکری و صلح پایدار در میان مردمان جهان می‌گردد. جهت دوم آنکه برای کشوری که بر اساس مبانی اخلاقی و اعتقادی خود هیچ‌گاه از این سلاح استفاده نمی‌کند، سرمایه‌گذاری هنگفتی که برای تولید و ارتقای آن صرف می‌شود، مصداق تبذیر بوده و تبذیر از مصادیق فساد است

(علیدوست، 1392، (ب): 13).

مسابقه تسلیحات هسته‌ای باعث تضعیف بنیه اقتصادی کشور می‌شود و این امر، خود موجب فشار مضاعف اقتصادی از سوی دشمن می‌گردد. سرمایه‌گذاری سفیهانه شوروی در این مسیر و تأثیر آن در فروپاشی این ابرقدرت را نباید از یاد برد. آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید: «تعداد بمب‌های هسته‌ای شوروی سابق احتمالاً از تعداد بمب‌های هسته‌ای آمریکا بیشتر هم بود. شکست نخورد؟ پیروزی و شکست در صحنه‌های اساسی دنیا با این چیزها نیست» (بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی، 83/4/1؛ <http://khamenei.ir>).

ایشان درباره هدررفت هزینه‌های کلان اقتصادی و انسانی در رقابت تسلیحات هسته‌ای می‌گویند: «منابع خارج از شمار اقتصادی و انسانی در رقابت غیرعقلانی هزینه شده‌اند تا هریک از ابرقدرت‌ها توان خیالی پیدا کنند که بیش از ده هزار بار رقیبان خود و سایر ساکنان کره خاکی من جمله خودشان را نابود کنند» (پیام به نخستین کنفرانس خلع سلاح و عدم اشاعه، 89/1/28؛ <http://khamenei.ir>).

همچنین درباره تحمیل هزینه‌های گران‌بار تولید سلاح هسته‌ای بر کرده مردم که باعث تضعیف توان اقتصادی آنان می‌گردد، می‌فرماید: «ما تحمیل هزینه ساخت سلاح هسته‌ای و نگهداری آن را بر ملت خودمان یک تحمیل بیجا و بی‌مورد می‌دانیم. ساخت چنین سلاحی و نگهداری آن، هزینه‌های زیادی دارد و ما به هیچ وجه جایز نمی‌دانیم که این هزینه بر مردم تحمیل شود» (بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی، 83/4/1؛ <http://khamenei.ir>).

نتیجه آنکه تولید سلاح هسته‌ای از دو جهت امنیتی و اقتصادی می‌تواند فسادآور باشد. ادله ناهیه از فساد، مقید ادله اعداد است و با وجود مفاسدی که با تولید و انباشت سلاح

هسته‌ای به وجود می‌آید، باید ساخت این سلاح را حرام دانست.

۱.۱۰. انحصار ارباب به دشمن

در آیه اعداد از دو جهت ارباب ناشی از ساخت و انباشت سلاح منحصر به دشمنان شده است. جهت اول قید «لهم» در عبارت «اعدوا لهم» می‌باشد که منظور از ضمیر «هم» با توجه به آیات قبل، کافران ناقض عهد می‌باشند که اشاره به سران یهود دارد. جهت دوم تصریحی است که آیه به ترساندن دشمنان خدا و دشمن مسلمانان می‌نماید: «ترهبون به عدو الله و عدوکم». بنابراین لزوماً و منحصراً دشمنی که قصد تجاوز و تعدی به دین، سرزمین یا حکومت اسلامی را دارد، باید بترسد. هدف آن است که کسانی که قصد تجاوز دارند، با ملاحظه انبارهای سلاح دولت اسلامی از تجاوز خویش منصرف شوند.

توده عظیم مردمان عادی و غیرنظامی کره خاکی که قصد تجاوز به دولت اسلامی را ندارند، نباید از سلاح تولیدشده به هراس آیند؛ اعم از آنکه اینان ساکن سرزمین اسلامی باشند یا ساکن کشور متخاصم یا ساکن کشورهای ثالث و غیرمتخاصم. اینان به صورت تخصصی و موضوعی از حکم موجود در آیه اعداد خارجند و نباید با سلاح تولیدشده در رعب و وحشت زندگی کنند. حال آنکه سلاح هسته‌ای اولاً و بالذات آنان را مرعوب می‌سازد؛ ثانیاً و بالعرض سرکردگان تجاوزپیشه آنان را. طبیعی است که همواره رهبران متجاوزپیشه و نظامیان تحت اوامر آنان از امکانات بسیار وسیع‌تری نسبت به مردمان عادی و غیرنظامی برای در امان ماندن از حملات جنگی برخوردارند. به همین جهت تولید و انباشت سلاح هسته‌ای، پیش و بیش از آنکه این سیاست‌مداران و نظامیان جنگ‌پیشه را بترساند، غیرنظامیانی را می‌ترساند که اتفاقاً بیشتر آنان با تجاوز دولت متبوع خود مخالفند. به تعبیر پاره‌ای از مفسران نتیجه کسب قوه اولاً باید اقتدار جامعه اسلامی باشد و ثانیاً به نمایش گذاردن قدرت نباید منجر به ترس و وحشت مردمان ضعیف و غیرنظامی که به گونه‌ای با

دشمن مرتبطند شود (مدرسی، 1419ق: ج 4، ص 87).

تصور اینکه تولید و انباشت سلاح‌های متعارف نیز مانند سلاح هسته‌ای به ارباب و ارباب ساکنان غیرنظامی زمین می‌انجامد و طبق استدلال صورت گرفته تولید این سلاح نیز باید متوقف گردد، با اندک تأملی در کیفیت و کمیت تخریب و اتلاف حاصل از این سلاح مرتفع می‌شود. وقتی طراحی سلاح متعارف به گونه‌ای است که توان کنترل آن وجود داشته و گستره آسیب‌رسانی آن را منحصر به نظامیان کرده و آثار مخرب آن را به منطقه جنگی محدود نمود، ساخت و انباشت آن به ارباب عمومی و وحشت فراگیر در توده‌های غیرنظامی نمی‌انجامد؛ چراکه آنان با فرض رویداد جنگ نیز نسبت به مصونیت از کشتار خود و اتلاف مناطق غیرجنگی اطمینان خاطر نسبی خواهند داشت. علاوه بر آنکه با وجود امکان دفاع مؤثر در برابر سلاح‌های متعارف، هراس شدیدی از ساخت و انباشت آن ایجاد نخواهد شد. اما همه این مقولات در سلاح هسته‌ای وارونه بوده و نه تنها قابلیت تفکیک نظامیان از غیرنظامیان و منطقه جنگی از غیرجنگی در این سلاح وجود ندارد، بلکه هیچ امکانی برای دفاع مؤثر در برابر این سلاح نیز وجود ندارد و بدین ترتیب ساخت آن به خوف عمیق در خیل عظیم بی‌گناهمانی که هیچ دخالتی در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات حاکمان خود ندارند، منجر می‌شود.

نتیجه آنکه تولید و انباشت سلاح هسته‌ای که باعث ارباب غیردشمنان و کسانی می‌شود که هیچ اراده‌ای برای تجاوز ندارند، طبق قیود آیه اعداد، محکوم به حکم حرمت می‌باشد.

آیت الله خامنه‌ای درباره ارباب عمومی و وحشت همگانی ناشی از تولید سلاح هسته‌ای می‌فرماید: «افزایش و گسترش توان تخریبی این سلاح‌ها [سلاح‌های هسته‌ای] که هیچ کاربردی جز ارباب و ترور دسته جمعی... نداشته و ندارند، استمرار کابوس هسته‌ای جهان را به دنبال داشته است» (پیام به اولین کنفرانس خلع سلاح و عدم اشاعه، 89/1/28؛

(<http://khamenei.ir>).

واژه «کابوس هسته‌ای» در عبارت فوق به خوبی گویای این واقعیت است که وحشت ناشی از این سلاح، بیشتر متوجه ساکنان غیرنظامی و مردم عادی دنیا می‌گردد.

ایشان در جای دیگر تولید همه انواع سلاح‌های کشتار جمعی را تهدیدی علیه تمام بشریت می‌داند و می‌گوید: «افزون بر سلاح هسته‌ای، دیگر انواع سلاح‌های کشتار جمعی، نظیر سلاح شیمیایی و سلاح میکروبی نیز تهدیدی جدی علیه بشریت تلقی می‌شوند» (پیام به اولین کنفرانس خلع سلاح و عدم اشاعه، 89/1/28؛ <http://khamenei.ir>).

اما صریح‌ترین کلام ایشان که به خوبی گویای اندیشه تفکیک بین رهبران و سرکردگان سیاسی و نظامی دول تجاوزپیشه با غیرنظامیان و مردمان عادی ساکن در آن سرزمین‌ها است، این گونه بیان شده است: «سلاح اتمی برای از بین بردن حکومت‌ها و سیستم‌ها و رژیم‌ها نیست. سیستم‌ها و رژیم‌ها با سلاح اتمی از بین نمی‌روند. سلاح اتمی فقط می‌تواند انسان‌ها و سرزمین‌ها را نابود کند. آنچه رژیم‌ها را نابود می‌کند، قدرت مقاومت و عزم و مبارزه ملت‌هاست» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، 84/8/8؛ <http://khamenei.ir>).

۱.۱۱. مضارّ معنوی ناشی از تولید سلاح هسته‌ای

ضررهای معنوی حاصل از تولید و انباشت سلاح هسته‌ای توسط حکومت اسلامی از جمله مسائل تأثیرگذاری است که درایت در اهمّ شاخصه‌های این مضارّ معنوی و قیاس آن با توهّم ناشی از دارا بودن فایده‌بازدارندگی، هر منصفی که با روح، اغراض، مذاق و مقاصد کلان شریعت آشناست و اندیشه محققانه را بر جمود متعصبانه ترجیح می‌دهد، به این نتیجه قطعی وصول می‌دارد که تولید و انباشت این سلاح جز مفسده، شر و ضرر مادی و معنوی، عاید دیگری برای حکومت اسلامی به بار نخواهد آورد. در زمانه‌ای که توده‌های عظیم مردمی از تمام ملل و نحل، با هر آیینی و با اتفاقی که بالوجدان می‌توان آن را درک

ارتکازی عقلا دانست، سلاح هسته‌ای را مخاطره‌آمیزترین ابزار سالب حیات و تولید و انباشت آن را تهدیدآمیزترین کنش علیه صلح و امنیت و سعادت می‌دانند، می‌توان پیش‌بینی کرد که تولید این سلاح توسط حکومت اسلامی چه آثار مخربی را بر ذهن و روان مردمان عالم بر جای خواهد نهاد.

تولید این سلاح در این شرایط مهم‌ترین مصداق هنجارشکنی و اقدامی مخالف با درک جمعی است که نتیجه آن انزوای حکومت اسلامی، بی‌اعتمادی ملل دنیا به این حکومت، بدنامی اسلام و مسلمانان، ایجاد حقد و کینه عمیق نسبت به حکومت اسلامی، انتساب اسلام به دین خشونت‌ورزی و تروریسم، ننگی و حقارت مسلمانان و نفرت عمومی از اسلام و مسلمانان می‌باشد (نیازی، 1392: 199؛ حسینی خراسانی، 1392: 102 و 151؛ نجفی یزدی، 1392: 242-243). هریک از این عناوین می‌تواند نقش بسزایی در تبیین حکمی ایفا کنند که فقها در فروع مختلف فقهی با استناد به این عناوین، حکم شرعی را مورد ضبط و تخریج قرار داده‌اند (نجفی، 1404ق: ج 21، ص 78؛ جعفری، 1419ق: 344).

امام علی (ع) سپاهیان مسلمان را در جنگ از تهییج، تحریک و آزار زنان بازداشت، حتی اگر این زنان به ناموس سربازان اسلام و سرداران و صالحان مسلمان دشنام گویند. سپس امام این فرمایش خویش را این گونه معلل می‌نماید که هرگونه برخورد و تعرض نسبت به زنان، حتی به عنوان مقابله به مثل باعث ننگی، عاری و بدنامی مسلمانان تانسل‌های واپسین می‌گردد.¹ تأثیر عامل حقارت مسلمانان در حکم حرمت آزار زنان در این روایت به وضوح عیان است.

1. «وَلَا تُهَيِّجُوا امْرَأَةً إِلَّا بِإِذْنِي وَإِنْ شَتَمْتَ أَغْرَضَكُمُ وَتَنَاولَ امْرَأَةً كُمْ وَصُلَحَاءُكُمْ فَإِنَّهُنَّ ضِعَافُ الْقَوَى وَالْأَنْفُسِ وَالْعُقُولُ لَقَدْ كُنَّا وَ إِنَّا نَوْمَزُ بِالْكَفِّ عَنْهُنَّ وَ إِنَّهُنَّ لَمُشْرِكَاتٌ وَ إِنْ كَانَ الرَّجُلُ لِيَتَنَاولَ الْمَرْأَةَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ بِالْهَرَاوَةِ أَوْ الْحَدِيدِ فَيَعَيِّرُ بِهَا عَقِبَهُ بَعْدَهُ» (نوری، مستدرک الوسائل، ج 11، ص 86).

هر یک از عناوین مذکور سبب سلب هدایت بندگان و عامل جدایی کامل آنان از آموزه‌های دینی است. هدایت مردمان با جذب فکری، معنوی و روحی آنان امکان‌پذیر است و اقداماتی که منشأ ایجاد یکی از عناوین مذکور می‌گردد، بنیان فکری و روحی آنان را به کلی تخریب کرده و موجب فساد عظیم معنوی می‌باشد. این فساد معنوی که سببی بزرگ‌تر و دامنه‌دارتر از فساد مادی است، در مسئله سلاح هسته‌ای به اوج خود می‌رسد؛ زیرا فساد مادی این سلاح، حداکثری بوده و به همین دلیل نفرت عمومی از این سلاح نیز حداکثری می‌باشد و شدت نفرت عمومی به مثابه اوج فساد معنوی است؛ چراکه عمق و شدت نفرت از متعلقات مسلمانان، تمامی زمینه‌های جذب و هدایت را از بین خواهد برد.

امام علی (علیه السلام) اقامه حد در سرزمین دشمن را خلاف سیره خویش می‌داند و در مقام تعلیل این حکم، عدم پیوستن مجرم به جرگه دشمن را دلیل این حکم برمی‌شمارد.^۱ در این روایت، نقش عامل سلب هدایت بندگان و ایجاد ذهنیت منفی در آنان نسبت به اسلام به روشنی رخ عیان می‌کند. فقها در بعضی از فروع فقهی با استناد به همین عامل، حکم شرعی را استنباط می‌کنند (صادقی تهرانی، بی تا: ۱۴۶).

دقت در نتایج مخرب تولید و انباشت سلاح هسته‌ای از نظر فکری و معنوی و بازخوردهای روحی آن بر ذهن عالمان می‌تواند افتاء در این زمینه را منطبق با مقاصد کلی شارع گرداند.

۲. قاعده نفی سبیل

قاعده «نفی سبیل»^۲ به همراه مدارک آن، از جمله قاعده «اعتلاء اسلام»^۱ و قاعده «عزت

۱. «عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِسْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرٍ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ: لَا أُفِيمُ عَلَى رَجُلٍ حَدًّا بِأَرْضِي الْعُدُوِّ حَتَّى يَخْرُجَ مِنْهَا مَخَافَةً أَنْ تَحْمِلَهُ الْحُمِيَّةُ فَيُلْحَقَ بِالْعُدُوِّ» (حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۲۸، ص ۲۴).

۲. «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱).

مسلمانان»،^۲ از دیگر دلایلی است که بر جواز و بلکه وجوب تولید سلاح هسته‌ای اقامه شده است. استدلال شده که اقتدار دولت اسلامی و برتری نظامی بر مستکبران متوقف بر تولید و انباشت این سلاح است و عدم تولید آن باعث ضعف و زبونی مسلمانان می‌گردد. بنابراین بر مبنای قاعده نفی سبیل بر دولت اسلامی واجب است که پروژه ساخت سلاح هسته‌ای را پیگیری نماید (سیفی مازندرانی، 1425ق: ج 1، ص 237-238؛ یزدی، 1415ق: ج 2، ص 254 و 258؛ صلاحین، 1426ق: 171).

با تفصیلاتی که در مباحث راجع به آیه اعداد مطرح شد، نیاز به بحث مبسوط در این قسمت نخواهیم داشت. با توجه به سه دلیل ذیل می‌توان نظر فوق را به آسانی تضعیف نمود. دلیل نخست آنکه بر مبنای نظریه ممنوعیت مطلق استفاده از سلاح هسته‌ای، تولید آن ابداً به قدرت‌افزایی نمی‌انجامد و در ایجاد سلطه و سبیل بی‌تأثیر است. مبنای کسانی هم که با استعانت از قاعده نفی سبیل تولید سلاح هسته‌ای را واجب دانسته‌اند، جواز و بلکه وجوب استفاده از سلاح هسته‌ای در بعضی از شرایط می‌باشد (صلاحین، 1426ق: 171). بعضی از همین محققان چنان در این نظر افراط کرده‌اند که استفاده از سلاح هسته‌ای را واجب مؤکد می‌دانند (سیفی مازندرانی، 1425ق: ج 1، ص 238). اما اگر استفاده از سلاح هسته‌ای را در هیچ شرایطی مجاز ندانیم، با این تغییر مبنا، تولید این سلاح نیز خاصیت ایجاد اقتدار را از دست می‌دهد. بدیهی است سلاحی که نمی‌توان از آن بهره برد، نه تنها اقتداری نمی‌افزاید، بلکه دلیل بر سفاقت سازنده آن است که سازه‌ای فاقد منفعت ساخته و کاری عبث پیموده. آیت الله خامنه‌ای می‌فرماید: «تسلیمات هسته‌ای برای یک ملت قدرت نمی‌آورد، چون

1. «الإِسْلَامُ يَغْلُو وَ لَا يُغْلَى عَلَيْهِ» (حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج 26، ص 14).

2. «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون: 8).

قابل اجرا و قابل استفاده نیست» (بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، 87/3/14؛ <http://khamenei.ir>).

دلیل دومی که می‌تواند حکم جواز تولید سلاح هسته‌ای با استعانت از قاعده نفی سیل را با چالش جدی مواجه کند، آن است که حتی اگر نقش تولید سلاح هسته‌ای را در ایجاد اقتدار و نفی سلطه دشمن بپذیریم، باز می‌گوییم ایجاد اقتدار و نفی سلطه دشمن نباید با ابزار و وسایل نامشروع محقق شود؛ زیرا ادله امضا و مباحات نسبت به شمول حصه حرام و ممنوع ذاتاً مضیق است؛ یعنی بدون اینکه نیاز به تصریح شارع باشد، ادله ترخیص و جواز شامل موارد حرام نمی‌گردد. اگرچه نفی سیل مورد اتفاق فقیهان است، اما اقتدارافزایی از طرق نامشروع را شامل نمی‌شود. در مباحث پیشین به تفصیل بیان شد که تولید سلاح هسته‌ای مفاسد و مضار فراوان دارد؛ بنابراین ادله نفی سیل نسبت به تولید این سلاح، ضیق ذاتی دارد.

دلیل سومی که بر اندیشه جواز تولید سلاح هسته‌ای با پشتیبانی قاعده نفی سیل خط بطلان می‌کشد، آن است که عوامل اقتدارافزایی متکی به ساخت و انباشت پیشرفته‌ترین سلاح نیست. مؤلفه‌های متکثری از حوزه‌های گوناگون اقتصادی، فرهنگی، علمی، سیاسی و اجتماعی بر ایجاد اقتدار و نفی سلطه دشمن تأثیر گذارند.

در گزارش مؤسسه بروکلینگز (بنیاد صلح در عصر هسته‌ای آمریکا) که به بررسی هزینه‌های لازم برای تولید و اشاعه سلاح هسته‌ای پرداخته، بودجه سالانه آمریکا در سال 2010 در بخش تسلیحات هسته‌ای با بودجه کمک‌های انسان‌دوستانه آمریکا قیاس شده است. در این گزارش آمده است که آمریکا در این سال، 55 میلیارد دلار صرف تسلیحات هسته‌ای خود کرد و در همین سال سی میلیارد دلار صرف کمک‌های انسان‌دوستانه. بعد از این مقایسه به جمله‌ای تأمل برانگیز برمی‌خوریم که می‌گوید: «اما کدام روش امنیت بیشتری

را برای آمریکا به ارمنیان می‌آورد؟».

(ر.ک: <http://www.bultanneews.com/fa/news/6477/8>).

منظور آن است که سلاح هسته‌ای با آنکه پیشرفته‌ترین سلاح عصر حاضر است، نمی‌تواند به اندازه کمک‌های بشردوستانه ایجاد امنیت کند؛ زیرا این کمک‌ها باعث نفوذ فکری و معنوی در افکار و احساسات مخاطبان می‌شود و زمینه تأثیرپذیری شگرف آنان را از سیاست‌های دولت کمک‌کننده به وجود می‌آورد و همین اثرگذاری روحی و کسب حمایت‌های معنوی مخاطبان، بیشترین عامل ایجادکننده امنیت و اقتدار برای کشور است. حال آنکه سلاح هسته‌ای با تمام عظمتش، با سلب امنیت فکری و آرامش روانی جهانیان و فرو بردن ملت‌ها در هاله‌ای از ترس و وحشت و با ایجاد بی‌اعتمادی نسبت به نیات و عملکردهای رهبران، بیشترین عامل تنزل امنیت و اقتدار برای کشور است.

راهکار قرآن برای ایجاد و تقویت امنیت، نه تنها ارباب همگانی نیست، بلکه اجتناب از ظلم سبب برقراری امنیت تلقی شده است: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ» (انعام: 82)؛ [ابراهیم گفت:] کسانی که به یکتایی خدا در تدبیر جهان ایمان آورده و ایمانشان را با هیچ ستمی نپوشانده و بی‌اثر نکرده‌اند، آنانند که امنیت دارند و آنان هدایت‌یافتگانند (صفوی، 1388: 138).

مفاد این آیه حکمی ارشادی و مقبول نزد عقلا را بیان می‌نماید. ارشاد عقلا به اینکه راه امنیت‌افزایی، در ستم نکردن است؛ زیرا ظلم باعث ایجاد بغض و کینه در دل‌های ستم‌دیدگان می‌گردد که بزرگ‌ترین عامل سلب امنیت می‌باشد و برعکس، رفتار عادلانه سبب فتح قلوب و جذب افکار عمومی می‌گردد که مهم‌ترین عامل ایجاد و تقویت امنیت می‌باشد. تولید و انباشت سلاح هسته‌ای با توجه به آثار و پیامدهای آن، جزء مصادیق قطعی و غیرقابل انکار ظلم محسوب می‌شود و به همین دلیل، نه تنها در تقویت امنیت کارکردی

ندارد، بلکه با ایجاد جوّ بی‌اعتمادی نسبت به تولیدکنندگان، امنیت تولیدکننده را نیز در مخاطره جدی قرار می‌دهد.

در ادامه به برخی از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای راجع به عدم دستیابی به اقتدار و امنیت با تولید سلاح هسته‌ای اشاره می‌کنیم:

1. ما می‌خواهیم بگوییم... اقتدار را در سلاح هسته‌ای نمی‌دانیم و اقتدار متکی به سلاح هسته‌ای را هم می‌توانیم بشکنیم (بیانات در دیدار دانشمندان هسته‌ای، <http://khamenei.ir;90/12/3>).

2. ما قدرت واقعی را در تقویت اراده ملی و پیشرفت‌های علمی - اجتماعی می‌دانیم، نه سلاح اتمی (بیانات در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد، 91/6/9؛ <http://khamenei.ir>).

3. بارها گفته ایم که ما اصولاً سلاح هسته‌ای نیاز نداریم؛ چراکه داشتن سلاح کشتار جمعی را زمینه ساز قدرت و اقتدار نمی‌دانیم. بلکه معتقدیم اقتدار هر کشور به داشتن مجموعه انسانی قوی و برخوردار از علم و ایمان و ایستادگی وابسته است (بیانات در دیدار نخبگان جوان کشور، 82/7/30؛ <http://khamenei.ir>).

4. سلاح هسته‌ای تضمین‌کننده اقتدار و پیروزی نیست (بیانات در دیدار نخبگان جوان کشور، 82/7/30؛ <http://khamenei.ir>).

5. اقتدار جمهوری اسلامی به موشک بالستیک و قاره‌پیما و موشک‌های دوربرد و اتمی نیست (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه، 76/6/26؛ <http://khamenei.ir>).

6. آنها خیال می‌کنند ما برای استحکام نظام خود دنبال سلاح کشتار جمعی و دنبال اتم و این چیزها هستیم. اشتباه می‌کنند. این هم تحلیل غلط و اطلاعات نادرستی است (بیانات در

دیدار جمعی از مسئولان آموزش و پرورش، 81/4/26؛ <http://khamenei.ir>.

۷. سلاح هسته‌ای نه تأمین‌کننده امنیت و نه مایه تحکیم قدرت سیاسی است؛ بلکه تهدیدی برای این هر دو است (بیانات در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد، 91/6/9؛ <http://khamenei.ir>).

۸. استحکام داخلی به معنایی نیست که آنها [نومحافظه‌کاران آمریکا] خیال می‌کنند؛ یعنی رسیدن به سلاح هسته‌ای کاری از پیش نمی‌برد (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، 82/5/15؛ <http://khamenei.ir>).

۹. پیروزی وابسته به اقتداری است که آن اقتدار از پول و امکان مادی و سلاح اتمی حاصل نمی‌شود (بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و جانبازان قم، 89/7/28؛ <http://khamenei.ir>).

۳. نقش مقاصد شریعت در فهم آیه اعداد

نصوص حاوی مقاصد شریعت و مذاق شارع، اگرچه نمی‌توانند مبین حکم باشند، اما بخوبی می‌توانند نقش مفسر نصوص مبین حکم را ایفا نمایند. مسئول کشف و تخریج حکم موظف است که در مسیر استنباط و افتاء دائماً نگاه دوسویه خود را حفظ نماید. از طرفی برای تشخیص حکم به نصوص مبین حکم رجوع کند و از طرف دیگر برای تفسیر و تشخیص محدوده اجرایی حکم از نظر ضیق و سعه، توجه دائمی به نصوص مبین مقاصد شریعت و اغراض شارع داشته باشد. گاه با توجه به این نصوص است که حکمی عام یا مطلق، تضییق می‌شود و گاه ملاحظه این نصوص است که حکمی خاص یا مقید را گستره وسیع‌تری می‌بخشد (شاطبی، 1417ق: ج 5، ص 177-178).

در آیه اعداد، خداوند هدف از اعداد را ارهاب دشمن می‌داند که از رهگذر این ارهاب، دشمن از جنگ منصرف می‌شود و نتیجه عدم جنگ، صلح پایدار و امنیت همگانی

است. توجه به مقاصد شریعت و اغراض شارع، یعنی اینکه مسئول تخریب حکم حین فتوا به وجوب تولید و انباشت سلاح به این مقصد و غرض نیز توجه نماید که رهاورد و پیامد تولید و انباشت باید ایجاد و تقویت صلح و امنیت برای تمام ابنای بشر باشد. وقتی حکم وجوب اعداد با امعان نظر به این مقصد و غرض مورد استخراج قرار گیرد، آنگاه تولید و اشاعه سلاحی که با این مقصد و غرض در تباین باشد تحت شمول آیه نمی‌گنجد و امر به اعداد، آن را پشتیبانی نمی‌کند. بنابراین اعداد سلاح وسیله‌ای است برای نیل به مقصود و غرض صلح و امنیت بشر (جزایری، 1416ق: ج 2، ص 323؛ عمید زنجانی، 1383: ج 5، ص 119).

در آیه اعداد به جای آنکه از حرف «علی» استفاده شود و بگوید: «و اعدوا علیهم»، از حرف «ل» استفاده کرده و گفته «و اعدوا لهم»؛ حال آنکه حرف «علی» به منظور بیان برخورد خصمانه و متضررانه علیه منافع طرف مقابل استعمال می‌شود و حرف «ل» به منظور بیان رفتار نافع به حال طرف مقابل استخدام می‌گردد. سیاق آیات دلالت بر آن دارد که تولید سلاح باید علیه منافع سران عهدشکن یهود صورت گیرد، نه آنکه به نفع منافع آنان باشد. پاره‌ای از مفسران معتقدند که واقعاً خداوند می‌خواسته منافع کافران پیمان‌شکن که شرار جنبدگانند را حفظ کند؛ چرا که وقتی آنان با مشاهده انبارهای سلاح مسلمانان به سوی آنان لشکرکشی نمی‌کنند، خودشان از کشته شدن و از ویرانی و تلفات مصون می‌مانند و از این جهت اعداد سلاح به نفع آنان است (صادقی تهرانی، 1365: ج 12، ص 275).

خداوندی که اراده می‌کند بدترین مخلوقاتش نیز از کشتار مصون بدانند، چگونه امر به تولید سلاحی می‌نماید که میلیاردها غیرنظامی را که هیچ نقشی در طراحی و اجرای نقشه‌های متجاوزانه رهبران سیاسی و نظامی خویش ندارند، در رعب و وحشت دائمی نگاه

دارد و در مقصود شریعت و غرض شارع از اعداد که تقویت صلح و پاسداشت امنیت است، اختلالی عظیم ایجاد نماید؟ بنابراین تولید سلاح هسته‌ای به دلیل مابینت آشکار با غرض و مقصود از امر به اعداد محکوم به حکم حرمت می‌باشد.

نتیجه

بر مبنای نظریه حرمت مطلق استفاده از سلاح هسته‌ای، تولید و انباشت این سلاح به قصد بکارگیری، انجام کاری است که مستلزم حرام بوده و حرمت کاری که مستلزم حرام است، بر گواهی عقل و نقل منطبق می‌باشد.

اما لزوم تولید و انباشت سلاح هسته‌ای، نه به قصد به کارگیری، بلکه با اهدافی از قبیل بازدارندگی دفاعی، ارباب دشمن، نفی سبیل و سلطه دشمن، اقتدارافزایی و افزایش قدرت چانه‌زنی مسلمانان، مدعیان بسیار دارد. این مقاله به نقد این مدعا پرداخت و دلایل آن را به چالش کشید و وجوه دلالتی آن را شکننده دانست. با ردّ ادله جواز، نظریه حرمت تولید و انباشت سلاح هسته‌ای بر مبنای ادله معتبری که در متن مقاله مطرح شد، بدون منازع بوده و مستقر می‌گردد.

منابع

1. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبد الباری عطیه، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول، 1415ق.
2. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1408ق.
3. ابن جوزی قرشی بغدادی، ابوالفرج جمال‌الدین عبدالرحمان بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دار الفکر، چاپ اول، 1407ق.
4. بغدادی، علاء‌الدین علی بن محمد، لباب التأویل فی معانی التنزیل، تحقیق محمدعلی شاهین، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول، 1415ق.
5. جزایری، ابوبکر جابر، ایسر التفاسیر لکلام العلیّ الکبیر، مدینه: مکتبه العلوم و الحکم، چاپ اول، 1416ق.
6. جعفری، محمدتقی، رسائل فقهی، تهران: مؤسسه منشورات کرامت، چاپ اول، 1419ق.
7. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ اول، 1389.
8. حائری تهرانی، میرسیدعلی، مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول، 1377.
9. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل‌البیت (علیهم السلام)، چاپ اول، 1409ق.
10. حسینی خراسانی، سیداحمد، «بررسی ممنوعیت تولید، نشر، استفاده و ... سلاح‌های کشتار جمعی»، مجموعه مقالات همایش ممنوعیت سلاح‌های کشتار جمعی از دیدگاه فقه اسلامی، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام)، چاپ اول، 1392.
11. حسینی شیرازی، سیدمحمد، تبیین القرآن، بیروت: دارالعلوم، چاپ سوم، 1423ق.

12. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت: دار القلم، چاپ اول، 1408ق.
13. رشید رضا، محمد، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، بیروت: دار المعرفة، چاپ دوم، بی تا.
14. سیفی مازندرانی، علی اکبر، مبانی الفقه الفاعل فی القواعد الفقهیه الاساسیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، 1425ق.
15. شاطبی، ابراهیم بن موسی، الموافقات فی اصول الفقه، تحقیق ابو عبیده مشهور بن حسن آل سلمان، قاهره: دار ابن عفان، چاپ اول، 1417ق.
16. شریف کاشانی، حبیب الله، تسهیل المسالك الی المدارک فی رؤوس القواعد الفقهیه، قم: المطبعة العلمیه، چاپ اول، 1404ق.
17. صادقی تهرانی، محمد، اصول الاستنباط بین الكتاب و السنة، قم: شکرانه، بی تا.
18. —————، الفرقان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، 1365ق.
19. صفوی، سید محمد رضا، ترجمه قرآن کریم بر اساس المیزان، قم: دفتر نشر معارف، 1388، چاپ اول.
20. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، 1417ق.
21. طبرسی، ابوعلی الفضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، 1415ق.
22. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر طبری)، بیروت: دار المعرفة، چاپ اول، 1412ق.
23. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، بی تا.

24. علیدوست، ابوالقاسم، (الف)، «بررسی فقهی تولید، انباشت، به‌کارگیری و فروش سلاح‌های کشتار جمعی»، مجموعه مقالات همایش ممنوعیت سلاح‌های کشتار جمعی از دیدگاه فقه اسلامی، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام)، چاپ اول، 1392.

25. _____، (ب)، «فقه تولید، انباشت و کاربرد سلاح‌های غیرمتعارف با محوریت فقه امامیه»، مجله حقوق اسلامی، شماره 38، سال دهم، پاییز 1392.

26. عمید زنجانی، عباس علی، فقه سیاسی، تهران: امیرکبیر، چاپ اول، 1383.

27. فاضل لنکرانی، محمدجواد، «تولید و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی از دیدگاه فقه اسلامی»؛ مجموعه مقالات همایش ممنوعیت سلاح‌های کشتار جمعی از دیدگاه فقه اسلامی، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام)، چاپ اول، 1392.

28. قاسمی، محمد جمال‌الدین، تفسیر القاسمی (محاسن التأویل)، قاهره: دار التوفیقیة للتراث، چاپ اول، بی‌تا.

29. مبلّغی، احمد، «بررسی فقهی ممنوعیت سلاح‌های کشتار جمعی»، مجموعه مقالات همایش ممنوعیت سلاح‌های کشتار جمعی از دیدگاه فقه اسلامی، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام)، چاپ اول، 1392.

30. محمود صلاحین، عبدالمجید، «أسلحة الدمار الشامل و أحكامها فی الفقه الإسلامی»، مجله الشریعة و القانون، شماره 23، ربیع الاول 1426ق.

31. مدرسی، سیدمحمدتقی، من هدی القرآن، تهران: دار محبی الحسین، چاپ اول، 1419ق.

32. مروج جزائری، سیدمحمدجعفر، منتهی الدرایة فی توضیح الکفایة، قم: مؤسسه دار الکتب، چاپ چهارم، 1415ق.